

اصل یکصد و هفتاد و سه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

در سال ۱۳۶۰ به موجب قانون مصوب، دیوان مذکور تشکیل یافت و حدود اختیارات و نحوه عمل آن نیز در همان قانون تعیین شد. سپس اصلاحات و تغییراتی در این قانون به عمل آمد تا این که قانون جدید در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۳/۹ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، با توضیح این که لایحه مذکور در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود که با اصلاحات اعمال شده از طرف مجمع، به تصویب نهایی رسیده است<sup>(۱)</sup>.

نظر به این که شکایت کارکنان بانک‌های دولتی علیه سازمان متبوع خود، همچنین شکایت اشخاص حقیقی یا حقوقی در بخش غیردولتی علیه بانک‌های دولتی، قابل طرح در دیوان عدالت اداری تشخیص داده شده است، لذا مناسب دانسته شد که اطلاعاتی درباره قانون جدید در اختیار خوانندگان محترم قرار داده شود.

### الف - تشکیلات دیوان

- دیوان در تهران مستقر می‌باشد و دارای شعب متعددی است که تعیین آنها به پیشنهاد رییس دیوان و تصویب رییس قوه قضاییه است.

- رییس دیوان با حکم رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود و رییس شعبه اول دیوان هم خواهد بود. قضات دیوان نیز به پیشنهاد رییس دیوان و با حکم رییس قوه قضاییه منصوب می‌شوند.

- قضات شاغل در دیوان می‌بایست دارای پانزده سال سابقه کار قضایی باشند، لکن کسانی که دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در یکی از رشته‌های حقوق یا مدرک حوزوی معادل باشند، داشتن ده سال سابقه کار قضایی برایشان کافی است.

- هر شعبه دیوان، دارای یک رییس و دو مستشار خواهد بود. در صدور رأی، نظریه اکثریت ملاک است. - رأی صادر شده توسط شعب دیوان، قطعی است.

- تعدادی کارشناس در رشته‌های مورد نیاز دیوان که دارای حداقل ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی بالاتر باشند، به عنوان مشاور تعیین می‌شوند. هرگاه دیوان نیاز به مشاوره و کارشناسی

داشته باشد، پرونده به مشاور ارجاع می‌شود و شعبه پس از ملاحظه نظریه ابراز شده، رأی صادر می‌نماید. - مشاوران پس از احراز صلاحیت، به حکم رییس قوه قضاییه به صورت استخدام رسمی یا قراردادی منصوب می‌شوند.

### ب - صلاحیت و اختیارات دیوان

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی - اعم از وزارتخانه‌ها و موسسات و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و موسسات وابسته به آنها.

ب - تصمیمات و اقدامات ماموران واحدهای مذکور در بند "الف" در امور راجع به وظایف آنها.



عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا

عدم حضور شخص مسوول در مهلت

اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب

انفصال موقت از خدمات دولتی می‌شود.



۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیات‌های بازرسی و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون مالیات، شورای کارگاه، هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و منابع طبیعی و اصلاحات بعدی آن، منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مضمولان قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمان واحدها و موسسات مذکور در بند ۱ و مستخدمان موسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها، محتاج ذکر نام است - اعم از لشکری و کشوری - از حیث تضییع حقوق استخدامی. یادآور می‌شود که منظور از آرای قطعی دادگاه‌های اداری مذکور در ردیف ۲ بند "ب" آرای صادره به استناد قانون رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۲ می‌باشد که به موجب ماده ۱۸ قانون مذکور، بانک‌های دولتی نیز مشمول قانون یاد شده هستند، به این معنی که مرجع شکایت از آرای قطعی صادره مستند به "قانون تخلفات کارکنان دولت" علیه کارکنان بانک‌های دولتی، دیوان عدالت اداری می‌باشد.

تصمیمات و آرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح، قابل شکایت در دیوان نمی‌باشد.

نگاهی به

## قانون جدید

## دیوان

## عدالت

## اداری

اکبر پیروفر

در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، دیوان حکم مقتضی مبنی بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام موردشکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده صادر می‌نماید. مرجع طرف شکایت نیز علاوه بر اجرای حکم، مکلف به رعایت مفاد آن در تصمیمات و اقدامات بعدی خود می‌باشد. ضمناً تعیین میزان خسارت وارده از ناحیه موسسات و اشخاص مذکور در بندهای ۱ و ۲ پس از تصدیق دیوان به عهده دادگاه عمومی است.

### پ - ترتیب رسیدگی در دیوان

رسیدگی در دیوان مستلزم تقدیم دادخواست است که به زبان فارسی و بر روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته می‌شود. دادخواست و تصویر مصدق کلیه مدارک و مستندات پیوست آن، باید به تعداد طرف دعوا به علاوه یک نسخه باشد. در مورد پرونده‌هایی که با قرار عدم صلاحیت از مرجع قضایی دیگر ارسال می‌شوند، تقدیم دادخواست الزامی نیست. هزینه دادرسی در شعبه دیوان پنجاه هزار ریال و در شعبه تشخیص یکصد هزار ریال می‌باشد و دادخواست توسط رییس دیوان به یکی از شعب ارجاع می‌شود. دفتر شعبه هم یک نسخه از دادخواست و ضمایم آن را به طرف شکایت ابلاغ می‌نماید. طرف شکایت نیز موظف است که ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ مانع رسیدگی نبوده و شعبه باتوجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و رأی صادر خواهد کرد.

وکالت در دیوان مطابق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹/جلد اول/ صفحه ۱۷۷). شعبه رسیدگی کننده می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد یا انجام تحقیقات و اقدامات لازم را از ضابطان قوه قضاییه و مراجع اداری بخواهد، و یا به سایر مراجع قضایی نیابت دهد. ضابطان و مراجع مزبور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می‌کند، تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند. تخلف از این امر، حسب مورد، مستلزم مجازات اداری یا انتظامی است.

مقررات مربوط به ورود ثالث، جلب ثالث، اعتراض ثالث و استماع شهادت شهود در دیوان، مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

مدنی است (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹).

در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نخواهد بود.

شعبه دیوان می‌تواند هریک از طرفین دعوا را برای اخذ توضیح دعوت نماید و در صورتی که شکایت از ادارات و واحدهای مذکور در ماده ۱۳ این قانون باشد، طرف شکایت مکلف به معرفی نماینده است.

در صورتی که شاکی پس از ابلاغ برای ادای توضیح حاضر نشود یا از ادای توضیحات مورد درخواست استنکاف کند، شعبه دیوان با ملاحظه دادخواست اولیه و لایحه دفاعیه طرف شکایت یا استماع اظهارات او، اتخاذ تصمیم خواهد کرد و اگر اتخاذ تصمیم بدون اخذ توضیح از شاکی ممکن نشود، قرار ابطال دادخواست صادر خواهد شد.



② دیوان عدالت اداری، مرجع شکایت از آرای قطعی صادره مستند به قانون تخلفات کارکنان دولت علیه کارکنان بانک‌های دولتی است.

هرگاه طرف شکایت شخص حقیقی یا نماینده شخص حقوقی باشد و پس از احضار بدون عذر موجه از حضور جهت ادای توضیح خودداری کند، شعبه او را جلب نموده یا به انفصال موقت از خدمت دولتی به مدت یک ماه تا یک سال محکوم خواهد کرد. عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص مسوول در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انفصال موقت از خدمات دولتی از دو ماه تا یک سال می‌باشد.

در صورت درخواست رییس دیوان یا هریک از شعب دیوان، کلیه واحدهای دولتی، شهرداری‌ها و سایر موسسات عمومی و ماموران آنها مکلفند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال اسناد و

پرونده‌های مورد مطالبه اقدام نمایند و در صورتی که ارسال اسناد ممکن نباشد، دلایل آن را به دیوان اعلام کنند. متخلف، به حکم شعبه به انفصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

### ت - اجرای آرای دیوان

برای اجرای احکام صادر شده از شعب دیوان، واحد اجرای احکام زیر نظر رییس دیوان یا یکی از معاونان وی تشکیل می‌شود و تعدادی دادرسی علی‌البدل اقدام به اجرای احکام می‌نمایند. کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده ۱۳ مکلفند آرای دیوان را پس از ابلاغ فوراً اجرا نمایند.

در صورت استنکاف شخص یا مرجع محکوم علیه از اجرای رأی، شعبه صادرکننده رأی، به درخواست محکوم له، موضوع را به رییس دیوان منعکس خواهد کرد. رییس دیوان یا معاونان او نیز مراتب را جهت اجرا به یکی از دادرسان واحد اجرای احکام ارجاع خواهد کرد. دادرسی اجرای احکام به ترتیب زیر مبادرت به اجرای حکم خواهد نمود:

۱- احضار مسوول مربوط و اخذ تعهد مبنی بر اجرای حکم یا جلب رضایت محکوم له در مدت معین.  
۲- صدور دستور توقیف حساب بانکی محکوم علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم به، در صورتی که حکم یک سال پس از ابلاغ اجرا نشده باشد.  
۳- صدور دستور توقیف و ضبط اموال شخص متخلف به درخواست ذینفع برطبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹).

۴- صدور دستور ابطال اسناد یا تصمیمات اتخاذ شده مغایر با رأی دیوان. در صورتی که محکوم علیه از اجرای رأی استنکاف نماید، با رأی شعبه صادرکننده حکم، به انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعبه تشخیص دیوان می‌باشد.

**صدور دستور موقت:** هرگاه شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن، مدعی شود که اجرای اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در قانون (صلاحیت و اختیارات دیوان) سبب ورود خسارت

می‌شود که جبران آن غیرممکن یا مشکل می‌باشد، دیوان در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، برحسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات و تصمیمات و آرا یا انجام وظیفه صادر خواهد کرد. دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی، ملغی‌الآثر می‌شود.

مرجع رسیدگی به تقاضای دستور موقت، شعبه‌ای است که به اصل دعوا رسیدگی می‌کند، لکن در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیات عمومی، تقاضای دستور موقت شده باشد، ابتدا پرونده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب ارجاع می‌شود و در صورت صدور دستور موقت در شعبه مرجوع‌الیه، پرونده در هیات عمومی خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.

لازم به توضیح است که صدور دستور موقت از سوی دیوان در قانون مصوب سال ۱۳۶۰ پیش‌بینی نشده بود و در سال ۱۳۷۲ پنج تبصره به مواد ۱۵ و ۱۸ و ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری الحاق گردید و تبصره‌ای که به ماده ۱۵ الحاق شد، به این مضمون بود: در مواردی که اجرای تصمیمات و اقدامات مراجع مصرح در ماده ۱۱ این قانون، بنابه اعلام شکای، ضمن دادخواست تقدیمی موجب ورود خسارت گردد، در صورت احراز موضوع، شعبه می‌تواند دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف قطعی شکایت صادر نماید، مگر در مواردی که در قانون مستثنی شده باشد. در حال حاضر هم این موضوع در قانون جدید دیوان عدالت اداری پیش‌بینی شده است.

بی‌مناسبت نیست واقعه‌ای که در این مورد و

موقت را با این مضمون صادر کرد: نظر به این که تصمیم مذکور مشعر بر برگزاری مجمع عمومی بانک پارسیان برای انتخاب اعضای هیات‌مدیره می‌باشد که در صورت اجرای مفاد آن، موجبات ورود خسارت فراهم می‌گردد و با احراز فوریت و ضرورت امر، مستنداً به تبصره ماده ۱۵ قانون دیوان عدالت اداری و مواد ۱۳ و ۱۵ آیین دادرسی دیوان، دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف قطعی شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

### ث - تجدیدنظر نسبت به آرای صادره و شعبه تشخیص

به منظور تجدیدنظر در آرای شعب دیوان، شعب تشخیص دیوان از یک رییس یا دادرس علی‌البدل و چهار مستشار تشکیل می‌شوند و ملاک در صدور رأی، نظر موافق حداقل سه عضو است. شعب تشخیص علاوه بر صلاحیت مذکور در این بند، صلاحیت رسیدگی به سایر پرونده‌ها را نیز دارند.

در قانون دیوان عدالت، موارد تجدیدنظر به شرح زیر هستند:

۱- در صورتی که حداقل یکی از دو قاضی یا دو قاضی از سه قاضی صادرکننده رأی، متوجه اشتباه شکلی یا ماهوی در رسیدگی خود بشوند، ضمن اعلام‌نظر مستند و مستدل (مکتوب) پرونده را جهت ارجاع به شعبه تشخیص، به دفتر رییس دیوان می‌فرستند.

صدور حکم اصلاحی در مورد سهو‌القلم یا اشتباه محاسبه و یا رفع ابهام که توسط شعبه صادرکننده رأی انجام می‌یابد، از شمول مراتب بالا خارج است.

۲- هرگاه یکی از طرفین دعوا بعد از صدور رأی، مدارک جدیدی را به‌دست آورد که موثر در رأی باشد، می‌تواند با ارایه مدرک جدید، از شعبه صادرکننده رأی، تقاضای اعاده دادرسی نماید و شعبه موظف است که خارج از نوبت رسیدگی کند. در صورتی که شعبه تقاضای مزبور را موجه تشخیص دهد، دستور توقف اجرای رأی را صادر خواهد کرد.

۳- در صورتی که رییس قوه قضاییه یا رییس دیوان، رأی دیوان را دارای اشتباه بین شرعی یا قانونی تشخیص دهد، موضوع جهت بررسی به شعبه تشخیص ارجاع می‌شود. شعبه مزبور در صورت واردانستن اشکال، اقدام به نقض رأی و صدور رأی مقتضی می‌نماید. آرای که به موجب این ماده صادر



② شکایت کارکنان بانک‌های دولتی علیه سازمان متبوع، و همچنین شکایات اشخاص حقیقی یا حقوقی در بخش غیردولتی علیه بانک‌های دولتی، قابل طرح در دیوان عدالت اداری است.

مربوط به نظام بانکی کشور است، ذکر شود: بانگ مرکزی جمهوری اسلامی ایران از مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره بانک پارسیان سلب‌صلاحیت کرد. نامبردگان هم شکایت نزد دیوان عدالت بردند و الغای عمل بانک مرکزی و لغو تصمیم هیات‌مدیره بانک در مورد تعیین جانشینان مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره و جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی بانک و صدور دستور موقت را خواستار شدند.

شعبه ۱۴ دیوان در تاریخ ۸۵/۷/۲۹، دستور

سازمان‌ها، ادارات، هیات‌ها و ماموران طرف شکایت پس از صدور دستور موقت، مکلفند برطبق آن اقدام نمایند و در صورت استنکاف، شعبه صادرکننده دستور موقت، متخلف را به انفصال از شغل به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید. شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوا خارج از نوبت رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید. در صورت حصول دلایل مبنی بر عدم‌ضرورت ادامه دستور موقت، شعبه رسیدگی‌کننده نسبت به لغو آن اقدام خواهد نمود.

شده، به جز مواردی که خلاف بین شرع است، قابل رسیدگی مجدد نمی‌باشند.

### ج - هیات عمومی دیوان

هیات عمومی دیوان با شرکت حداقل دوسوم قضات دیوان، به ریاست رییس دیوان و یا معاون قضایی وی تشکیل می‌شود و ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد. مشاوران موضوع این قانون، می‌توانند با دعوت رییس دیوان و بدون حق رأی، در جلسات هیات عمومی شرکت کنند و در صورت لزوم، نظریات کارشناسی خود را مطرح نمایند. صلاحیت و اختیارات هیات عمومی دیوان به شرح ذیل می‌باشد:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حق و حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آنها و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف، موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲- صدور رأی وحدت‌رویه در مورد آرای متناقض صادره از شعب دیوان.

۳- صدور رأی وحدت‌رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد، آرای مشابه متعدد صادر شده باشد. رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضاییه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در صلاحیت هیات عمومی نمی‌باشد.

اثر ابطال مصوبات هم از زمان صدور رأی هیات عمومی است، مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیات عمومی اثر آن را از زمان تصویب مصوبه اعلام نماید. در مورد درخواست ابطال مصوبات، مشخص نمودن علل درخواست و ذکر موارد مغایرت مصوبه با شرع یا قانون یا خروج از اختیارات و همچنین ماده قانونی یا حکم شرعی که اعلام مغایرت مصوبه با آن شده است، ضروری می‌باشد. در صورت عدم رعایت مراتب بالا، مدیر دفتر هیات عمومی موظف است که ظرف پنج روز پس از

ثبت درخواست با ذکر نقص موجود، اخطار رفع نقص صادر کند. هرگاه متقاضی ظرف ده روز پس از ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نکند، مدیر دفتر قرار رد درخواست را صادر خواهد کرد و این قرار قطعی است. در مواردی که به تشخیص رییس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، رییس دیوان قرار رد درخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.

هرگاه رییس قوه قضاییه یا رییس دیوان به هر نحوی از مغایرت یک مصوبه با شرع یا قانون یا خروج آن از اختیارات مقام تصویب‌کننده مطلع شود، موظف است که موضوع را در هیات عمومی مطرح و ابطال مصوبه را درخواست نماید.

در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیات عمومی لازم‌الاتباع است. هیات عمومی در اجرای ردیف ۱ بند "ج" می‌تواند تمام یا قسمتی از مصوبه را ابطال نماید.

هرگاه در موارد مشابه آرای متناقض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شود، رییس دیوان موظف است که به محض اطلاع، موضوع را در هیات عمومی دیوان مطرح کند و هیات پس از بررسی و احراز تعارض، نسبت به صدور رأی اقدام خواهد نمود. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

اثر رأی صادره نسبت به آینده است و موجب نقض آرای سابق نمی‌شود، لکن در مورد احکامی که در هیات عمومی مطرح و غیرصحیح تشخیص داده می‌شود، شخص ذینفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی، حق تجدیدنظرخواهی در شعب تشخیص را دارد و شعبه تشخیص موظف به رسیدگی و صدور رأی برطبق رأی مزبور است. مفاد این ماده در مورد آرای که از نظر فقهای شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده می‌شود، مجری نخواهد بود. هرگاه در موضوع واحدی حداقل پنج رأی مشابه از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد، با نظر رییس دیوان، موضوع در هیات عمومی مطرح و رأی وحدت‌رویه صادر می‌شود. این رأی برای شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط لازم‌الاتباع است.

پس از صدور رأی وحدت‌رویه، رسیدگی به شکایات موضوع این ماده در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت و بدون نیاز به تبادل لوائح انجام می‌گیرد. هرگاه پس از انتشار رأی هیات عمومی دیوان در روزنامه رسمی کشور، مسوولان ذیربط از اجرای آن استنکاف نمایند، به تقاضای ذینفع یا رییس دیوان و با حکم یکی از شعب دیوان، مستتکف به انفسال موقت از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

### ملاحظات

۱- مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضایی، پس از کسب نظر مشاوران دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور می‌باشد.

۲- پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، رسیدگی به کلیه پرونده‌های مطروحه در شعب تجدیدنظر سابق دیوان، همچنین رسیدگی به اعتراضات وارده نسبت به آرای غیرقطعی شعب بدوی سابق، با رعایت قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ ه.ش. و اصلاحات بعدی، در شعب تجدیدنظر ادامه خواهد داشت.

۳- قوه قضاییه موظف است که ظرف شش ماه، لایحه آیین دادرسی دیوان را تهیه و از طریق دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. تا زمان تصویب آیین دادرسی مزبور، برطبق این قانون و قوانین سابق عمل خواهد شد.

۴- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ ه.ش. و اصلاحات بعدی آن و کلیه قوانین مغایر با رعایت ردیف‌های ۲ و ۳ فوق لغو می‌شوند.

۵- به موجب ماده ۲۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰، قانون شورای دولتی مصوب سال ۱۳۳۹ ه.ش. و سایر قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت داشته، در قسمتی که مغایر است، از تاریخ تشکیل دیوان منسوخ می‌باشد.

ادامه دارد

### زیرنویس

(۱) روزنامه رسمی / شماره ۱۸۰۴۳ / مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۵.